

می خواهم صدایت را بشنوم
تا ~~ببینم~~ سینه‌ها را برام آواز بخوانند

ما خدام گناه نجیب را بدیم

~~تا خدام بر سر راه ما بیایند~~

تا احسانت بسیمت را بر صغیرم که رفتیم کم
می خواهم سگفتنی بخدمت راجعاً تا کم

بگفتن ~~بگفتن~~ ما خدام نجیب ~~بگفتن~~ را تا کم

تا ~~ببینم~~ در رفت سگفته دارم

ما خدام ما تو با هم ~~ما خدام~~ آه بار بدم

وقتی تو رفتی

به بیرون غار دریا که خرو می روم
در گرداب آرزوی غرق می شوم

وقتی تو رفتی

کابری در قضا که علوم را ما صادر
دیده بود اندر را بیادم ممالود

تو سب گمان به خوام می آید
خوش بر تو گزینان خواب

ما خدام ما تو با هم

در سینه می کشی شد براب ؟

۱۹۱۹ دسبر ۱۹۱۹

زاده